

کاهش سرمایه اجتماعی و رشد آسیب های اجتماعی

محمد حسن شربتیان

چکیده

کاهش سرمایه اجتماعی در جامعه ایران ناشی از وجود تنزل پارامترهای روابط اجتماعی، عقلانیت مفرط، عدم رعایت تکالیف و انتظارات اجتماعی، بی اعتمادی و... "منجر به بروز آسیب های اجتماعی شده است. وجود فقدان امنیت اجتماعی در جامعه ناشی از عدم همبستگی و انسجام درون گروهی، گسترش ارتباطات اجتماعی منفی و پیوندهای منفی عدم نظارت دقیق از سوی خانواده و دستگاه های نظارتی باعث کاهش اعتماد اجتماعی و مشارکت مدنی شهروندان در برقراری نظم اجتماعی و همکاری مستمر با سازمان پلیس گردیده است. متأسفانه آسیب فرهنگی، دروغ از مهمترین مسائل اجتماعی در بی اعتمادی جامعه تأثیر مخربی بر روابط و اعمال افراد و سازمان ها گذاشته است. بر اساس تئوری ساختار اجتماعی، رشد مناطق حاشیه نشین و فقیر در ایران منجر به پرورش افراد منحرف شده است، همچنین بر اساس تئوری فشار در جامعه، وقایع پرتنش و اضطراب خانواده یا محله زندگی منجر به رشد احساس منفی، بزهکاری و کاهش امنیت اجتماعی و فقدان سرمایه های جمعی شده است. در نتیجه کاهش این ابعاد ما شاهد مسائل اجتماعی همچون طلاق، خانواده تک والدینی، سقط جنین، اعتیاد، مصرف مواد الکلی، ستیز فرهنگی و اقتدار گرایی در خانواده، افزایش از هم گسیختگی زندگی زناشویی، ممانعت از تحصیل، پورنوگرافی، روابط فزاینده، عدم حمایت اجتماعی و فقدان سلامت روانی و اجتماعی و... می باشیم. بر این اساس سازمان پلیس از طریق فرهنگ سازی در حوزه روابط اجتماعی شهروندان، استحکام تعاملات خانوادگی، بستر سازی اعتماد و اطمینان اجتماعی، تحکیم رفتارهای نظارتی مثبت و مستمر، پاکسازی محلات جرم خیز، پایداری ضمانت های اجتماعی و ارزشی، تعامل متقابل با سازمان های مردم نهاد در بستر سازی مشارکت های مدنی شهروندان برای استمرار نظم اجتماعی، روابط متقابل با دیگر نهادهای اجتماعی در راستای آموزش های مستقیم و غیر مستقیم در حوزه فرایند جامعه پذیری اسلامی و ایرانی می تواند گام های موثری را بردارد.

کلید واژه

آسیب اجتماعی، اعتماد اجتماعی، امنیت پایدار، سرمایه اجتماعی، مشارکت مدنی

مقدمه

امروزه ماهیت پیچیده آسیب های اجتماعی ایجاب می کند تا در برخورد و شناخت با تجدید و تکمیل نظریات موجود، و با تکیه بر یافته های نوین، دایره معرفت و درک خودمان را در شناخت پدیده های اجتماعی گسترده کنیم؛ بر این اساس سرمایه اجتماعی در جوامع به عنوان ابزاری اساسی قابلیت های و کارایی های بالایی در تبیین و توضیح مسائل و مشکلات از جمله آسیب های اجتماعی دارد. نیروی انتظامی به عنوان یکی از مهمترین دستگاه های نظارتی در سطح جامعه می تواند با جلوگیری از کاهش سرمایه اجتماعی به عنوان راه حلی اساسی مشکلات اجتماعی را کاهش دهد. علاوه بر این عملکرد پلیس جامعه محور در صورتی که بتواند، عناصر اساسی کاهش سرمایه اجتماعی را در سطح جامعه در یک قالب منسجم و مدون برای جلوگیری از آن آموزش دهد، می تواند نقش بارزی در شناخت و تحلیل آسیب ها به صورت مستمر و موثر داشته باشد؛ ارائه راهکارهایی مناسب در بحث پیشگیری از جرم از جمله ارتباط مستقیم با نهاد اجتماعی خانواده می تواند کمک موثری بر کاهش آسیب های اجتماعی و افول سرمایه اجتماعی بنماید

طرح مسأله

در جامعه ایران در دو دهه اخیر بعد از پایان جنگ و بازسازی جامعه ما شاهد آن هستیم که سرمایه اجتماعی ملت به سمت کاهش سوق یافته است، این پیامد در واقع با رشد آسیب های اجتماعی و بروز جرائم سازمانی و غیر سازمانی گسترش یافته است. این مسأله باعث شده که "اعتماد اجتماعی - مشارکت مدنی و انسجام فرهنگی" شهروندان نسبت به اعمال و رفتارهای یکدیگر و حتی نسبت به ساختار جامعه به سمت نابودی سوق یابد، کاهش این پارامترها در بسط و گسترش آسیب های رفتاری و اجتماعی و افزایش جرائم و بزهکاری در حال حاضر بسیار موثر است. بر این اساس، یکی از مشکلات اساسی دستگاه های نظارتی در سطح جامعه از جمله سازمان پلیس مبارزه با کاهش شاخص های سرمایه اجتماعی خواهد بود، که این افول تأثیر بسزایی در افزایش آسیب های اجتماعی دارد، باتوجه به این مسئله در این مقاله سعی بر این داریم که به صورت نظری و

تحلیل ثانویه پژوهش‌ها و مقالاتی را که به تبیین کاهش سرمایه اجتماعی و رشد آسیب‌های اجتماعی پرداخته، مورد واکاوی قرار دهیم، و با توجه به این پارامترها برای حل این معضل پیشنهادات و راهکارهایی را که سازمان پلیس می‌تواند در سطح جامعه از جمله با نهاد خانواده داشته باشد جهت حل این معضل مورد ارزیابی قرار می‌دهیم.

اهمیت موضوع

سرمایه اجتماعی مفهوم چند بعدی در حوزه علوم انسانی و اجتماعی است، با توجه به همین وجوه می‌توان در دهه‌های اخیر این پدیده را یکی از پرمناقشه‌ترین موضوعات در بین اندیشمندان حوزه علوم انسانی و اجتماعی دانست. در واقع هنگامی که جامعه‌شناسان کلاسیک و معاصر دغدغه تنزل روابط اجتماعی را در جوامع صنعتی و در حال توسعه مورد تأمل و مطالعه عمیق قرار داده بودند، به این نتیجه دست یافتند که متغیرهایی چون "تنزل روابط اجتماعی، انتقال گذر از ساختار سنتی به مدرنیته، تقسیم کار فزاینده و تخصصی، عقلانیت مفرط، سلطه روزافزون بروکراسی، و..." بر گسترش آسیب‌های اجتماعی و انحرافات خصوصاً در جوامع شهری بسیار مشهود است؛ بر این اساس، در چنین شرایطی اهمیت زندگی از میان جوامع شهرنشین از بین رفته، و تمام امور و فعالیت‌ها یکنواخت شده است و رضایت از زندگی کاهش می‌یابد. از بعد دیگر احتیاط در روابط اجتماعی زندگی کلان شهری، یکی دیگر از ویژگی‌هایی است که به موزات افزایش افراد، (تراکم فیزیکی)، روابط چهره به چهره کارکرد خود را از دست داده است و جای خود را به روابط دیگر چون روابط آسیب‌زا و جرم خیز و سایر اشکال روابطی داده است. به اعتقاد زیمل نتیجه چنین شرایط ناپایداری که در روابط و کاهش اعتماد اجتماعی در جامعه خصوصاً زندگی شهری بوجود آمده است منجر به کاهش سرمایه اجتماعی شده، که در نتیجه کاهش این پدیده، آسیب‌های اجتماعی و جرائم مختلف گسترش پیدا می‌کنند. بر اساس چنین اندیشه‌ای که جامعه‌شناسان کلاسیک و معاصر از حرکت جوامع سنتی به سوی مدرنیته داشته‌اند، موضوع سرمایه اجتماعی و تنزل روابط اجتماعی را در کانون اندیشه‌های علمی و پژوهشی خود مورد توجه و اهمیت قرار داده‌اند. بر این اساس سازمان پلیس در جامعه امروزه این نقش حیاتی را خواهد داشت که با آموزش‌های مداوم و مستمر بر پایه ارزش‌ها و هنجارهای نظامند جامعه سعی بر این داشته باشد که روابط اجتماعی بین مردم بایکدیگر و بین احاد ملت با دستگاه‌های اجرایی را با توجه به کاهش آسیب‌های اجتماعی به صورت مستمر تقویت بخشد، ضوابط اجتماعی حاکم بر دستگاه‌های سازمانی خود را طوری تدوین و پایه‌گذاری نماید که شهروندان خود را به عنوان همیار و همکار این سازمان در نظارت همگانی سهیم بدانند.

جیمز کلمن سرمایه اجتماعی را بوسیله کارکردهایی که تعریف می‌کند مورد مطالعه قرار می‌دهد. «به نظر وی سرمایه اجتماعی هنگامی ایجاد می‌شود که روابط میان اشخاص به شیوه‌ای تغییر یابد که کنش را آسان سازد. بنابراین سرمایه اجتماعی شی‌واحدی نیست، بلکه جنبه‌های متفاوتی ساختار اجتماعی را در برمی‌گیرد که کنش جمعی و فردی را ترویج می‌نماید.» (چلی و همکار، ۱۳۸۴: ۵) هنگامی که نهاد خانواده، سازمان پلیس و سایر دستگاه‌های اجتماعی در ساختار جامعه ابعادی چون تکالیف و انتظارات اجتماعی یکدیگر را نتوانند رعایت کنند، همچنین هنجارها و ضمانت‌های اجرایی که شهروندان در برابر نهادها و سازمان‌های اجتماعی نتوانند اجرا نمایند و بالعکس در نتیجه اعتماد و اطمینان شهروندان نسبت به هم و نسبت به سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی و حکومتی کاهش می‌یابد؛ در نتیجه ما با کاهش سرمایه اجتماعی و بروز افزایش آسیب‌های اجتماعی روبرو خواهیم بود.

از دیدگاه پیر بوردیو سرمایه اجتماعی را باید «حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی دانست که نتیجه مالکیت، شبکه بادوامی از روابط نهادینه شده بین افراد و به عبارت ساده‌تر، عضویت در یک گروه است» (شارع پور، ۱۳۸۳: ۶۸-۶۷) با توجه به این تعریف باید بیان کرد که در جوامع شهری در محلات و نقاطی که از نظر آسیب‌ها و جرائم اجتماعی جرم خیز می‌باشد، افرادی که در این محلات در گروه‌های انحراف آمیز باهم تعامل برقرار می‌کنند؛ و به صورت یک رابطه نهادینه شده در قالب یک شبکه اجتماعی جرم خیز دست به فعالیت‌های انحراف آمیز می‌زنند، و حتی برای تقویت این شبکه‌ها از همان دوران کودکی فرزندان خود را آماده پذیرش خطرات و انحرافات می‌کنند، در واقع سرمایه اجتماعی منفی خود را تقویت می‌کنند، چنین پیامدهایی در جامعه ما نقش بسیار با اهمیتی در بروز آسیب‌های اجتماعی خواهد داشت. بر این اساس نیروی انتظامی به صورت دائم و مستمر باید یک کنترل محسوس و نامحسوس بر روی این مناطق داشته باشد، و با آموزش‌های شهروندی مستمر و مداوم خانواده‌های این محلات را به طور دائم به بازتولید فرایند اجتماعی شدن درگیر نماید، تا از این طریق بتواند آسیب‌های اجتماعی را کنترل نمایند. در واقع با توجه به نظر پیربوردیو باید اشاره کنیم که هرچه پیوندهای افراد و شهروندان با خرده فرهنگ‌های منحرف بیشتر باشد و تعامل بیشتری با اعضای باندهای جرم خیز در طی زندگی روزمره اجتماعی صورت گیرد، میزان سرمایه اجتماعی منفی افرادی که همان آسیب‌زا بودن و مجرم گردیدن آن‌ها را فراهم می‌کند، بر افول سرمایه اجتماعی کمک شایانی خواهد کرد.

با توجه به اندیشه پاتنام سرمایه اجتماعی باید در ابعاد گوناگون سازمان اجتماعی، نظیر "اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها" دانست که می‌توانند با تسهیل اقدامات هماهنگ کارایی جامعه را بهبود بخشد. با توجه به این اندیشه در جوامع امروزی همچون ایران که در حال گذار از ساختارهای سنتی به سمت صنعتی و مدرنیته می‌باشد، به دلیل اینکه ساختار سازمان‌های اجتماعی آن دچار بیماری، و به نوعی سیاست زدگی و دین زدگی درون ساختاری است، بالطبع شهروندان اعتمادشان نسبت به دستگاه‌های اجرایی کاهش می‌یابد، همچنین در این مجموعه‌های سازمانی، هنگامی که

سطوح عالی تا پایین ساختار اداری هنجارهای اجتماعی را رعایت نمی کنند و سازمان را در اجرای قوانین به سمت بی هنجاری سازمانی سوق داده اند و شهروندان جامعه این آنومی را مشاهده می کنند، پس آسیب های اجتماعی گسترش می یابد، که این پیامد در نتیجه، منجر به افول اعتماد و اطمینان و کاهش سرمایه اجتماعی می شود. با توجه به آنچه که بیان شد، نیروی انتظامی باید کادر اجرایی و درون سازمانی خود را به صورت مستمر و دائم مورد ارزیابی و پالایش قرار دهد، سنجش این ارزیابی باید به صورتی باشد که تمام اعضای سازمان در عملکرد خود بازتولید جامعه پذیری را دائماً اجرا نمایند، با توجه به این فرایند، شهروندان هم به صورت سیستماتیک و نظام مند، تحت تاثیر این عملکرد رفتاری قرار خواهند گرفت و خودشان با از طریق بازبینی در رفتارهایشان این احساس را می نمایند که با عملکرد پلیس در هر عرصه ای تعامل مثبت و مشارکت عمیق داشته باشند.

از دیدگاه فوکویاما «سرمایه اجتماعی را وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش های غیر رسمی تعریف می کند که اعضای گروهی همکاری و تعاون میان شان مجاز است در آن سهیم هستند. از نظر او مشارکت در ارزش ها و هنجارها به خودی خود باعث تولید سرمایه اجتماعی نمی گردد، چرا که این ارزش ها ممکن است ارزش های منفی باشد. بر عکس هنجارهایی که تولید سرمایه اجتماعی می کنند اساساً باید شامل سجایی از قبیل صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دو جانبه باشد» (فوکویاما، ۱۳۸۵: ۱۲-۱۱) با توجه به این تعریف باید اشاره کرد که در جوامع شهری ایران که در حال گذار می باشند، امروزه اعضای جامعه حتی در کوچکترین لایه های زندگی چون زندگی خانوادگی و زناشویی نسبت به هم کردارها و رفتارهای اخلاقی و اجتماعی چون (صداقت- ادای تعهدات- ارتباطات- اعتماد و...) کم رنگ تری دارند و این فقدان و کم رنگی اخلاقی و اجتماعی منجر به کاهش سرمایه های اجتماعی شهروندان نسبت به هم و نسبت به حکومت و دولت شده در نتیجه جرائم و آسیب های اجتماعی در حال حاضر پرتنگ تر شده است. از نظر پکستن باید سرمایه اجتماعی را به آن دسته از روابط اجتماعی افراد در جوامع تلقی کرد که منجر به تولید کالاهای مادی و غیرمادی می شود. این روابط باید بین شهروندان و دستگاه های دولتی به صورت عینی مبتنی بر اعتماد و مثبت باشد، در حالی که رشد آسیب های اجتماعی و بروز انواع جرائم در نقاط مختلف شهری و روستایی در ایران بیانگر این است که شهروندان نسبت به (رفتارها، کردارها و گفتارهای) یکدیگر و نسبت به همین (پارامترهای اشاره شده) در بین مسئولین و کارکردهای سازمانی بی اعتمادند و نگرش منفی دارند. چلی نیز معتقد است که « منظور از سرمایه اجتماعی گزینه های رابطه ای موضع اجتماع می باشد. از نظر وی، برای هر موضع اجتماعی بالقوه چهارنوع گزینه رابطه ای قابل تصور است. این گزینه ها عبارتند از: روابط اجتماعی، روابط اجباری، روابط گفتگویی و روابط مبادله ای. گزینه های رابطه ای برای اشغال کننده موضع بالقوه در حکم منابع ارزشمند محسوب می شوند که در روابط اجتماعی قابل تبدیل به دارایی های مختلف برای کنشگر هستند. به عبارت دیگر، مجموع گزینه های رابطه ای مربوط به موضع اجتماعی منبع بالقوه افزایش رتبه اجتماعی را تشکیل می دهد.» (چلی، ۱۳۸۶: ۱۷۰)

با توجه به این موارد در جوامع در حال گذار از جمله ایران، در میان شهروندان و سازمان های دولتی و حکومتی، بالاخص نیروی انتظامی به دلیل اینکه شاخص های سرمایه اجتماعی چون کنش های متقابل اجتماعی، تعاملات بین افراد و سازمان ها با شهروندان، گروه ها، و اجتماعات، تعهدات و انتظارات، هنجارها و ضمانت های اجرایی موثر، ظرفیت بالقوه اطلاعات، اعتماد اجتماعی، انواع روابط، پیوندها، انسجام اجتماعی و استفاده از منابع و منافع مشترک آن بسیار کم رنگ است، با پیامد کاهش سرمایه اجتماعی و رشد و گسترش جرائم و آسیب های اجتماعی به صورت خرد و کلان در جامعه ایران روبرو هستیم.

ابعاد و اجزای سرمایه اجتماعی و آسیب اجتماعی

با بررسی تعاریف و تحلیل هایی که از رابط بین افزایش آسیب های اجتماعی و کاهش سرمایه اجتماعی در سطور قبلی بیان کردیم، باید مشخص کرد که سرمایه اجتماعی دارای دو جزء است. « الف. پیوندهای عینی بین افراد: نوعی ساختار شبکه ای عینی می بایست برقرارکننده ارتباط بین افراد باشد. این بخش از سرمایه اجتماعی حکایت از آن دارد که افراد در فضای اجتماعی با یکدیگر پیوند دارند. ب. پیوند ذهنی: پیوندهای بین افراد می بایست دارای ماهیت متقابل مبتنی بر اعتماد و دارای هیجان مثبت باشد.» (شارع پور، ۱۳۸۳: ۷۲) با توجه به این اجزاء اخیراً تئوری پردازان سرمایه اجتماعی (اعم از سیاستمداران و جامعه شناسان) بر دو عنصر از این مفهوم تأکید می کنند. نخست اعتمادی که میان اعضای اجتماعی وجود دارد و دیگری مشارکت در سازمان های اجتماعی، این عناصر در واقع همان اعتماد اجتماعی و مشارکت مدنی است.

در جامعه ایران که در حال گذار می باشد، به دلیل عدم اجرای برخی از قوانین؛ وجود بی هنجاری های اجتماعی در فضای جامعه، وجود نوعی سیاست زدگی در ساختار سازمانی ایران و... این دو جزء سرمایه اجتماعی بسیار کم رنگ و فاقد کارکرد در ساختار زندگی اجتماعی شهروندان را در حال حاضر بوجود آورده است، که همین مسأله کمک شایانی به بسط آسیب های اجتماعی در جامعه کرده است. متأسفانه دستگاه پلیس جامعه هم دچار برخی از نواقص اجتماعی است، پلیس جامعه به جای اینکه نوعی اعتماد را در قالب پیوند ذهنی و عینی با شهروندان به خصوص خانواده ها بر قرار نماید، نوعی ترس، رعب و وحشت را بیشتر به خانواده ها و شهروندان منتقل کرده است؛ هرچند که هدفش این نمی باشد، اما رویکردها و شیوه های عملکردی اش در سطح جامعه این پنداشت را بوجود آورده است، همین نقص می تواند در کاهش سرمایه اجتماعی و گسترش آسیب ها موثر باشد. بنابراین تغییر این شیوه های عملکردی و نگرشی نسبت به شهروندان کمک بسیاری به جلوگیری از آسیب های اجتماعی می کند.

همانطور که قبلاً اشاره شد، سرمایه اجتماعی دارای دو بعد کمی و کیفی می باشد: بعد کمی سرمایه اجتماعی یک کمیت است، یعنی در جامعه هرچه مشارکت بیشتر باشد و تعداد انجمن های داوطلبانه یا به عبارتی، سازمان های غیر دولتی (NGO) ها بیشتر باشد، سرمایه اجتماعی نیز بیشتر خواهد بود، اما در حال حاضر در ساختار جامعه شهری ایران از نظر رشد کمی سازمان های داوطلبانه از سال ۱۳۸۰ به این سمت کمتر روبه گسترش است، اما متأسفانه ساختار سیاست زدگی سازمانی جامعه ما اجازه به انجام کارکردها و عملکردهای دقیق این سازمان های مدنی را نداده است، و بودجه های این بخش در سازمان های متولی بیشتر صرف برنامه های می شود که سازمان می خواهد، که چندان تاثیرگذار بر ساختار آسیب زای جامعه نبوده است، با توجه به این مسئله باید بیان کرد که کاهش سرمایه اجتماعی و عدم مشارکت مدنی شهروندان در ساختار جامعه کمک بسیار شایانی به افزایش جرائم اجتماعی و آسیب ها کرده است. از سوی دیگر باید بیان کرد که این سازمان های داوطلبانه و مدنی در جهت رفع آسیب های اجتماعی نتوانسته به تقویت میزان روابط افراد با خانواده، دوستان و آشنایان و به طور کلی با دیگران بپردازد، در واقع این عدم تقویت از سوی سازمان ها، باید آنطور که به افزایش جریان اطلاعات در بین شهروندان، برجسته کردن عضویت فردی دیگران در یک رابطه و اعتبار اجتماعی توأم با آن و اعمال نفوذ بر دیگران که خارج از انجمن هستند بشود، نشده، در نتیجه دستیابی به منابع سرمایه اجتماعی را به تأخیر انداخته است و این تأخیر در بسط آسیب های اجتماعی بسیار موثر است. نیروی انتظامی با توجه به توانمندی ها و گستره فعالیت هایی که در سطح جامعه دارد باید بتواند با تقویت این سازمان های و رابطه متقابل و موثر با این نهادها، سعی کند خانواده های جامعه را در راستای اهداف عالی سازمانی خود آموزش دهد، همچنین به صورت نظارتی و ستادی بخشی از عملکردهای اجرایی خود را به این سازمان ها محول کند، تا بتواند از این طریق خانواده ها و شهروندان را در جهت برقراری نظم و امنیت اجتماعی درگیر نماید، تا نتوانسته باشد از طریق مشارکت پایدار شهروندان آسیب های اجتماعی را کاهش دهد.

از بعد دیگر باید اذعان کرد که سرمایه اجتماعی دارای یک بُعد کیفی است که می بایست در میزان همبستگی و درجه انسجام درون گروهی، اعتماد متقابل بین کنشگران، احساسات مثبت بوجود آورد. از سوی دیگر کیفیت سرمایه اجتماعی دارای دو بُعد است، بُعد همبستگی درون گروهی است و بُعد دیگر بُعد بین گروهی است یا همان انسجام بین گروه های موجود در جامعه است. چنانچه در یک جامعه اعتماد و انسجام درون گروه ها بالا باشد، اما بین گروه های مختلف انسجام پایین باشد یا وجود نداشته باشد، این فرایند تأثیرات منفی برای کل جامعه خواهد داشت؛ و در واقع سرمایه اجتماعی موجود از نوع منفی خواهد بود. در حال حاضر جامعه ایران در بُعد کیفی سرمایه اجتماعی در پارامتر میزان همبستگی و انسجام درون گروهی علی الخصوص در زندگی شهری از قبیل ساختار خانواده و خویشاوندی دچار تعارضات بسیار زیاد است، که همین مسأله در کنار عدم انسجام بین گروهی که در میان ساختار زندگی شهروندی مورد مشاهده و مطالعه می باشد نتوانسته به رشد جرائم و آسیب های اجتماعی کمک نماید. نقش سازمان پلیس با توجه به اهداف عالی و عملکردهایش این است که سعی نماید اعضای نهاد اجتماعی خانواده را در تقویت و بهبود روابط اجتماعی متقابل و منسجم آموزش دهد، سهمی بر این داشته باشد که با ارائه خدمات فرهنگی و اجتماعی تعارضات درون خانوادگی را کاهش دهد تا بتواند شاخص های امنیت اجتماعی را ارتقاء بخشد.

یک دسته بندی دیگر، سرمایه اجتماعی شامل سه بعد "ساختاری، شناختی، و ارتباطی" خواهد شد. بُعد ساختاری اشاره به پیوندهای موجود در شبکه اجتماعی می کند که در برگرفته وسعت و شدت ارتباطات موجود در شبکه می باشد. و از سوی دیگر میزان ارتباط پذیری و تراکم شبکه های ارتباطی بیانگر ترکیب و شکل سرمایه اجتماعی را برای افراد در زندگی بیان می نماید. در جامعه ایران گروه های منحرف و افراد آسیب دیده اجتماعی در جامعه به دلیل شدت و گسترش ارتباطات اجتماعی منفی که با فرد و یا خرده فرهنگ های منحرف در زندگی شهری و روستایی فضای سکونت خود دارد، نشانگر این است که پیوندهای منفی اجتماعی فرد با گروه های منحرف اجتماعی در جامعه هرچه بیشتر باشد و شدیدتر یافته باشد و نظارتی از سوی خانواده و حکومت بر روی این شدت و وسعت ارتباطات نباشد، این مسأله منجر به افول سرمایه اجتماعی فرد در خانواده و جامعه خواهد شد، در نتیجه آسیب های اجتماعی گسترش و شدت می یابند؛ در واقع میزان ارتباط پذیری افراد منحرف در جامعه شهری و تراکم ارتباط این افراد نسبت به جامعه روستایی به دلیل اینکه کنترل و نظارت اجتماعی بر روی رفتارها و کردار و اعمال کمرنگ تر می باشد، آسیب ها اجتماعی را افزایش داده است، در نتیجه در جامعه علی الخصوص در زندگی شهرنشین سرمایه های اجتماعی و اجزاء آن از جمله "اعتماد- مشارکت- انسجام" را کمرنگ تر و خنثی کرده است و به سمت تخریب و افول این پدیده در جامعه هدایت یافته است. بنابراین آموزش های (اجتماعی و فرهنگی) شهروندان از سوی نیروی انتظامی می تواند به سوق دادن مردم به اینکه تعاملات اجتماعی خود را در راستای برقراری هنجارهای نظام مند و قانونی جهت دهند، کمک شایانی به کاهش آسیب های اجتماعی و پایداری مشارکت و اعتماد شهروندان در عرصه های اجتماعی و فرهنگی حاکمیت خواهد کرد.

از سوی دیگر با توجه به اینکه ایجاد و گسترش شبکه های اجتماعی در ایران با یک هدف مثبت شکل می گیرد، اما در واسط جریان ارتباطات اعضای شبکه به دلایل محدودیت های اجتماعی، حقوقی، سیاسی، دینی و فرهنگی این شبکه ها تغییر جهت داده اند و برای رسیدن به اهداف خود در جهت ضربه زدن و کاهش بیش از حد سرمایه های اجتماعی گام بر می دارند و منجر به بروز آسیب های اجتماعی می گردند. از بُعد شناختی

افول سرمایه های اجتماعی و پیوندهای آن را باید در آسیب ها در بررسی زبان و علائم مشترک، همچنین روایت های مشترکی که گروه ها و افراد منحرف و مجرم از بروز آسیب های اجتماعی دارند از سوی نیروهای انتظامی مورد بررسی قرار گیرد. در بررسی سرمایه اجتماعی «بُعد ارتباطی شامل الف- اعتماد، ب- هنجارها- ج- تعهدات و روابط متقابل، د- تعیین هویت مشترک می باشد.» (الوانی و همکار، ۱۳۸۵: ۵۶) در بُعد ارتباطی در جامعه حال حاضر ایران خصوصاً در جامعه شهرنشین، به دلیل بی اعتمادی و بی اطمینانی که به خانواده، سازمان ها، همسایه، همکار، فروشنده، هم کیش، پلیس و خلاصه همه کسانی که در زندگی روزمره شهری با آن ها در ارتباط هستیم وجود دارد، باعث شده که اعتماد اجتماعی و مدنی بسیار افول کند و همین عدم اعتماد مدنی و اجتماعی در بروز آسیب های اجتماعی و آسیب های نوپدید بسیار تأثیر گذار می باشد.

در جامعه ایران دروغ به عنوان یکی از بزرگترین آسیب های اجتماعی در بی اعتمادی و بی اطمینانی زندگی تأثیر مخربی بر روابط اجتماعی افراد گذاشته و خواهد گذاشت. امروزه در جامعه ایران همین دروغ در ایجاد جرائم و آسیب های اجتماعی حال حاضر تأثیر فراوانی گذاشته است و بر اساس همین فرایند رفتاری منفی در بین اعضای جامعه و خانواده اعتماد و بی اطمینانی ها افزایش یافته است و در بروز افول سرمایه اجتماعی بسیار اثر گذار بوده است. از بُعد دیگر وجود همین بی اعتمادی ها نسبت به قومیت های فرهنگی و مذهبی ایران به این سمت نشانگر این است، که سرمایه های اجتماعی و فرهنگی مردم ایران از بین رفته است و این تباهی در ساختار اجتماعی ایران منجر به کاهش اعتماد- رشد دروغ- عدم حساب باز کردن بر روی اعمال، رفتار و کردارمان شده است. دستگاه انتظامی با مشارکت خانواده ها، آموزش و پرورش، آموزش عالی، رسانه های جمعی و..... باید به این سمت سوق یابد که شهروندان جامعه را برای برحذر داشتن از این پدیده منفی ترغیب و تشویق به صورت کاربردی نمایند، در حالیکه این پدیده منفی در ساختار سازمانی جامعه ما از جمله پلیس و سایر دستگاه ها ریشه داونیده است و حتی اعضای خانواده، به این اخلاق منفی روی آورده است، متأسفانه ضربه های مهلکی به پیکره جامعه این پدیده منفی اخلاقی وارد کرده است.

در جامعه ایران "بایدها و نبایدها" از سطح خانواده گرفته تا پیچیده ترین لایه های اجتماعی و فرهنگی نقش و کارکرد خنثی یافته است، با توجه به مشکلات و پیامدهای ساختاری که گریبانگیر جامعه ایران شده، کنترل اجتماعی و نظارت از سوی افراد و نهادها بر روی اعمال و رفتارهای اجتماعی ما که همان رعایت "بایدها و نبایدهای رفتاری و عملی" است، از میان رفته است؛ که خود در بروز آسیب های اجتماعی و افول سرمایه اجتماعی نقش موثری دارد. پلیس باید این بایدها و نبایدهای رفتاری را ابتدا در عملکرد سازمانی خود نهادینه نماید، و هنگامی که نتایج این فرایند برای شهروندان مسجحل شد، دستگاه انتظامی با تدابیر و راهبردهای فرهنگی و اجتماعی باید خانواده ها را برای نهادینه کردن این رفتارها و عملکردهای هنجارمند به صورت مستمر و پایدار تقویت، ترغیب و آموزش دهد.

کاهش سرمایه اجتماعی و جرم

افول سرمایه اجتماعی از طریق مکانیسم هایی می تواند میزان جرم افراد و جامعه را تحت تأثیر قرار داده این مکانیسم ها را می توان در فرایندهای روانشناختی اجتماعی و کنش های متقابل مشترک با مردم در تمام بخش های ساختار اجتماعی جستجو کرد. هنگامی که در فرآیند کنش روابط متقابل مردم سردی و تخریب حاکم باشد و مردم را با مشکل مواجه کند جرم و جنایت و سایر آسیب های اجتماعی در جامعه افزایش می یابد. «یکی از نظریه پردازان این حوزه ادوین ساترلند می باشد که نقش کنش متقابل اجتماعی را در شکل گیری رفتار و گرایشات انسان ها مورد تأکید قرار داده و معتقد است رفتار مجرمانه در اثر همنشینی و تماس با الگوهای جنایی آموخته می شود. هرچه تماس افراد با چنین محیط هایی زودتر آغاز شود (سن افراد)، تکرار تماس به دقات بیشتر باشد (فراوانی معاشرت) ارتباط نزدیک تر و عمیق تر باشد (عمق معاشرت) و مدت زمان معاشرت طولانی تر باشد، احتمال این که فرد در نهایت به یک بزهکار تبدیل شود بیشتر است. بر طبق دیدگاه پیوند افتراقی ساترلند، می توان گفت که هرچه روابط فرد با گروه های همسال کجرو بیشتر باشد احتمال زیادی وجود خواهد داشت که او مرتکب جرم گردد. این نکته روابط بین سرمایه اجتماعی و جرم را پیچیده تر می نماید..... با اضافه کردن سرمایه اجتماعی به تئوری پیوند افتراقی، می توان نتیجه گیری نمود که با وارد شدن افراد در گروه های کجرو و برقراری ارتباط نزدیک با اعضای آن گروه به مرور زمان ارزش ها و هنجارهای خرده فرهنگ کجرو یادگرفته می شود و از آن جا که انسجام درون گروهی بالایی باشد از این رو فرد سعی می کند برای حفظ عضویت خود در گروه و حفظ همبستگی گروهی، رفتارهای کجرو یادگرفته شده را بر ضد گروه های دیگر به کاربندد، در نتیجه فرد مرتکب جرم می گردد. در این حالت می توان گفت که آن نوع سرمایه اجتماعی که در بین اعضای گروه وجود دارد از نوع سرمایه اجتماعی درون گروهی و منفی بوده و هرچه سرمایه اجتماعی فاسد در جامعه بیشتر باشد میزان جرم و جنایت در جامعه زیادتر خواهد بود.» (روزبهنائی، ۱۳۷۸: ۸۹) پلیس باید سعی کند که رابطه های متقابل سردگونه و بی اهمیت را بین خود و شهروندان از بین ببرد، هرچه تعامل متقابل این ساختار با شهروندان به خصوص نهاد خانواده بیشتر و کارا تر باشد، در نتیجه امنیت اجتماعی و ملی به صورت مستمر تقویت و مستحکم می گردد. هرچه پلیس در تعامل با نهاد خانواده، اعضای این نهاد را با انواع جرائم، راه های بوجود آمدن آسیب ها و انحرافات به صورت صریح و شفاف روشن کند، حتی کلیه اعضای خانواده و شهروندان را از طرق مختلف با باندهای منحرف و جرم خیز آشنا کند، بیشتر می تواند به ثبات امنیت پایدار جامعه کمک نماید، بر این اساس افول سرمایه های اجتماعی مردم کمتر شده، در نتیجه بروز انواع آسیب های اجتماعی کاهش می یابد و افزایش اعتماد پایدار به دستگاه پلیس روبه رشد خواهد بود.

نقش ناپهنجاری ها در بروز افول سرمایه اجتماعی

در واقع آنومی یا ناپهنجاری که بوسیله اندیشه دورکیم در جامعه شناسی بیان شد عبارت از « حالت مبهمی است بین فرد و جامعه که در آن هنجارها یا از بین رفته اند، یا ضعیف شده اند و یا باهم در تضادند. وقتی که حالت ناپهنجاری افزایش یابد ممکن است جامعه با خطر متلاشی شدن مواجه می گردد. چون اعضاء جامعه، دیگر ارزش ها و اهداف مشترکی را قبول ندارند. فرد در حالت بی هنجاری رهنمود رفتاری ندارد، زیرا که او در این وضعیت، کمترین احساسی از تاثیر اجتماعی بر خواش های شخص و اعمال خویش ندارد.» (فرجاد، ۱۳۸۲: ۱۲) در واقع نبود هنجارهای رفتاری و عملی در بین اعضای جامعه، خصوصاً در میان شهرنشینان بر کاهش سرمایه اجتماعی بسیار اثر گذار است هنگامی که اعضای جامعه در جهت رسیدن به اهداف اجتماعی زندگی (از جمله با خلاء قانون و وسیله) نتوانند برسند دست به انحراف به صورت جرائم یقه تیره و یقه سفید خواهند زد که این جرائم و آسیب ها کمک شایانی به افول سرمایه اجتماعی کرده و خواهد نمود. مدیریت دانش محوری سازمان پلیس جامعه باید طوری عمل نماید که بتواند دائماً در هر نقطه از زمان و مکان آنومی و بی هنجاری های جامعه را متناسب با آن فضاء تشخیص دهد و رصد نماید، برخوردار بودن از نیروهای تخصصی در هر رصد باید طوری عملکرد اجرایی داشته باشد که بتواند ابتدا اجازه رشد آنومی را در آن بستر زمانی و مکانی ندهد، سپس به سمت کاهش این مسئله برنامه ریزی های (کوتاه و بلند مدت) را متناسب با بافت منطقه مورد اجرا و کاربست قرار دهد.

با توجه به اینکه در واقع باید علل آنومی اجتماعی را که نقش مؤثری در افول سرمایه اجتماعی و بروز آسیب های اجتماعی دارد، در سطح خانواده، به صورت سطوح خرد و کلان قابل ارزیابی دانست. بر این اساس « وجود بحران های اقتصادی شدید، که تولید فقر، و از هم پاشیدگی نظم اجتماعی را بوجود می آورد، در کنار رابطه غیرمنطقی انسان با نیازها و اهدافش که باعث بی حد و حصر آرزوهای انسانی در جامعه می شود؛ و این بی حدی در بروز ارضاء و اشباع نمی تواند کنترل شود؛ در نتیجه یک وضعیت نارضایتی اجتماعی دائمی را در بین افراد جامعه در تمام سطوح ساختاری بوجود می آورد که خود منشاء آسیب ها و انحرافات اجتماعی است. همچنین وجود ثروتمندی ناگهانی در برابر فقر جامعه یک عامل بحران زا و شتابزده تغییرات اجتماعی - اقتصادی در جامعه است، می تواند عامل مهمی برای شکل گیری آسیب های اجتماعی باشد، علاوه بر این وجود از هم پاشیدگی هنجارهای سنتی در جامعه در حال تغییر، که موجب عدم توانائی ارضاهای نیازهای بی حد و نارضایتی اجتماعی را در پی خواهد داشت، بر وجود و بسط انحرافات و آنومی اجتماعی اثر می گذارد؛ که این مسأله در بروز انواع جرائم و آسیب ها اثر خواهد گذاشت.» (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۱۹-۱۸) در واقع هنگامی که در جامعه اهداف و ارزش های جدید و جذاب با گسترش مدرنیته شکل گیرد و افراد جامعه در پی این فرایند باشند که خود را با دیگران مقایسه کنند و احساس محرومیت نسبی خود را شدیداً تقویت کنند و بر آن باشند که اهداف و ارزش های جدید را از جانب اکثریت افراد جامعه بپذیرند نتیجه اش وجود آنومی خواهد شد که این آنومی در کاهش اعتماد و اطمینان رفتاری و عملی اثر گذار است در نتیجه افول این ابعاد سرمایه اجتماعی آسیب های اجتماعی بسط و گسترش خواهد یافت، از دیدگاه فوکویاما این مساله باعث فروپاشی بزرگ خواهد شد، این فروپاشی ناشی از « تغییرات و تحولات هنجارهای اجتماعی بوده است که در طول تاریخ بشریت همراه بوده است و در مورد جوامع صنعتی و یا در حال صنعتی شدن در سه دهه اخیر تغییر بسیار پرشتابی داشته است و این میزان افزایش در بسیاری از شاخص های اجتماعی آنچنان زیاد بوده است که باید سراسر این دوره را به عنوان فروپاشی بزرگ در الگوهای اولیه زندگی اجتماعی نامید.» (فوکویاما، ۱۳۸۵: ۲۱-۲۰) بر اساس این مباحث نیروی انتظامی در راستای کاهش مسائلی که باعث گسترش آنومی اجتماعی در جامعه می گردد باید سعی کند، در تعامل با دیگر نهادها از جمله نهاد اجتماعی خانواده، به صورت مستمر و مداوم آموزش هایی را در سطح جامعه با توجه به ساختار ملی و بومی بسترسازی نماید، تا شهروندان به خصوص اعضای خانواده ها از جمله والدین و فرزندان با مسائل و پیامدهای آنومی اجتماعی آگاه شوند و به صورت مستقیم و غیر مستقیم در اجرای نظم پایدار جامعه و امنیت اجتماعی با پلیس همکاری و مشارکت لازم را برپا نمایند.

زوال خانواده هسته ای و کاهش سرمایه اجتماعی

در واقع از بزرگترین تغییراتی که در دو دهه اخیر در جامعه ایران در حال رخ دادن می باشد زوال خانواده هسته ای است. این زوال و نابودی به صورت آشکار با مجموعه کاملی از دگرگونی در هنجارها یا پیامدهای اجتماعی از جمله جرم و جنایت، تجاوز و زشتکاری با کودکان، فقر، روسپیگری، فرار دختران، کودکان خیابانی و... قابل مشاهده و تحقیق می باشد.

در واقع در جامعه ایران در دو دهه اخیر وقوع طلاق، شکل گیری خانواده تک والدینی، تولد کودکان نامشروع، سقط جنین و... به سرعت در شکل گیری افول سرمایه های اجتماعی خانواده اثر گذار بوده است. علاوه بر این ستیز فرهنگی و اخلاقی در میان جوانان و خانواده، بروز بحران اقتدارگرایی در میان اعضای خانواده ها، افزایش ناخالصی از هم گسیختگی زناشویی در میان خانواده های ایرانی، بسط رفتارهای فرزندناشویی، مصرف مواد مخدر و الکل، منع تحصیل، خشونت علیه اعضای خانواده، و... همگی از آسیب های اجتماعی است که گریبانگیر خانواده گردیده است. لذا « به این ترتیب سرمایه اجتماعی به نحوی متناظر با نظم اجتماعی است. افزایش آن، تقویت نظم و کاهش آن حاکی از وجود انحرافات اجتماعی و آسیب ها، جرم، و جنایت، فروپاشی خانواده، مصرف مواد مخدر، خودکشی و امثال آن است. بنابراین سرمایه اجتماعی به معنی وجود هنجارهای رفتاری

مبتنی بر تشریک مساعی باشد، کج رفتاری ها و آسیب های اجتماعی نیز نشانه فقدان سرمایه اجتماعی است.» (صدیق سروستانی، ۱۳۸۵: ۲۲۸)

کاهش سرمایه اجتماعی در ساختار خانواده هسته ای آسیب زا امروزی در جهت این است که افراد خانواده در نتیجه آثار وخیم فروپاشی بایکدیگر همکاری می کنند حتی شرایط خانواده از طریق عملکردها و کارکردهای رفتاری طوری تعاملات را تنظیم می کنند که سرمایه اجتماعی منفی چون "عدم پیوند اجتماعی، بی اعتماد و..." "گسترش یابد؛ هرچه میزان ناسازگاری بین اعضاء خانواده بیشتر دامن زده شود و کمتر اتصال جمعی و اجتماعی بودن و روحیه دموکراسی در خانواده پرورش یابد؛ سرمایه اجتماعی منفی در قالب رفتارهای آسیب زا و انحرافات رفتاری بیشتر مشاهده می شود در نتیجه اضمحلال خانواده هسته ای و افول سرمایه اجتماعی بیشتر فراهم می گردد.» (فوکویاما معتقد است که طرف تاریک منتج از سرمایه اجتماعی در خانواده که باعث بروز رفتارهای آسیب زا می شود ناشی از توزیع اعتماد است، اعتمادی که در تعریف وی جزء هسته اصلی سرمایه اجتماعی باید دانست. به نظر پاتنام وجود تاریک سرمایه اجتماعی در خانواده ناشی از این است که طرف مقابل منافع تحت الشعاع قرار نداده است آسیب و انحراف شکل می گیرد. کلمن معتقد است که در خانواده به دلیل اینکه نظریه انتخاب عقلانی و منطقی درست اجرا نمی شود و با محدودیت بسیار در بین اعضای خانواده روبرو است آسیب ها شکل می گیرند.) (فیلد، ۱۳۸۵: ۱۱۳) با توجه به این پیامدها دستگاه انتظامی باید در سطح جامعه از جمله در تعامل با نهاد اجتماعی اعتمادسازی را نهادینه و بسترسازی نماید، اذهان خانواده ها را به سمت این مسئله سوق دهد که ضرورت امنیت پایدار و اجتماعی در سطح جامعه به عنوان یک منفعت مشترک برای چه ارزشمند و هنجاری است، همچنین شهروندان را برای اینکه در تعاملات خود دست به رفتارهای عقلانی و اجتماعی زنند از طریق تبلیغات، برنامه های تصویری و رسانه ای، ارتقاء سواد رسانه ای، آموزش های هنجاری و ارزش گرایانه دعوت به مشارکت و نهادینه سازی نماید. تا بتواند از روند گسترش زوال خانواده کاهش سرمایه اجتماعی جلوگیری نماید، تا از این طریق آسیب های اجتماعی و فرهنگی کاهش یابد، در نتیجه امنیت پایدار و اجتماعی در سطح جامعه ارتقاء یابد.

نتیجه گیری

در کاهش سرمایه اجتماعی وجود پارامترهای "تنزل روابط اجتماعی، انتقال گذر از ساختار سنتی به مدرنیته، تقسیم کار فزاینده و تخصصی، عقلانیت مفرط، سلطه روزافزون بروکراسی، عدم رعایت تکالیف و انتظارات اجتماعی، بی اعتمادی و..." موثر است که این پیامدها بر گسترش آسیب های اجتماعی و فقدان امنیت در جامعه اثر گذار است. از سوی دیگر در جامعه "عدم اجرای برخی از قوانین؛ وجود بی هنجاری های اجتماعی و اخلاقی در فضای جامعه، سیاست زدگی و دین زدگی در ساختار سازمانی ایران و... منجر به شده تا فقدان امنیت اجتماعی پایدار در حال افزایش باشد.

در جامعه عدم همبستگی و انسجام درون گروهی در ساختار خانواده و حتی بین سازمان های اجتماعی جامعه به رشد آسیب های اجتماعی و کاهش سرمایه اجتماعی و بی امنیتی در جامعه کمک شایانی کرده است. در این جامعه گروه های منحرف و افراد آسیب دیده اجتماعی به دلیل شدت و گسترش ارتباطات اجتماعی منفی و پیوندهای منفی اجتماعی که باهم دارند و عدم نظارت دقیق و پایدار از سوی خانواده و دستگاه های اجرایی بر روی این شدت و وسعت به افول سرمایه اجتماعی و آسیب های اجتماعی کمک مضاعفی کرده است.

در جامعه حال حاضر ایران خصوصاً در جامعه شهرنشین، به دلیل بی اعتمادی و بی اطمینانی که به خانواده، سازمان ها، همسایه، همکاران، فروشنده ها، هم کیشان، پلیس و خلاصه همه کسانی که در زندگی روزمره شهری با آن ها در ارتباط هستیم وجود دارد، با افول اعتماد اجتماعی و مشارکت مدنی روبرو شده ایم که در نتیجه در کلانشهرها با افزایش آسیب ها و بی امنیتی دچار گردیده اند و حتی این پیامدها در حال حاضر به مناطق کوچک تر هم سرایت کرده است.

در جامعه ایران دروغ به عنوان یکی از بزرگترین آسیب های اجتماعی در بی اعتمادی و بی اطمینانی زندگی شهرنشین و روستایی تأثیر مخربی بر روابط اجتماعی افراد گذاشته است، جامعه ایران به دلیل برخورداری از تنوع قومیتی و سرمایه های فرهنگی و ملی نتوانسته است در به نحو احسن از این موقعیت جهت حذف شاخص های منفی قومداری بهره برداری کند، لذا اشاعه این پیامدهای منفی در بروز آسیب های اجتماعی، کاهش سرمایه اجتماعی و فقدان امنیت اجتماعی لازم موثر می باشد.

در جامعه ایران افراد و دستگاه های اجرائی که مرتکب جرمی شده باشند، به دلیل سود خالص مورد انتظاری که از این فعالیت های انحراف آمیز بدست می آورند جرائم را افزایش داده، از سوی دیگر بر اساس تئوری های ساختار اجتماعی افزایش و رشد مناطق حاشیه نشین و محلات فقیر در نقاط مختلف جامعه منجر به شده بسیاری از ساکنین این مناطق در درون الگوهای رفتاری جرم خیز قرار گیرند و دست به جرائم آسیب زا بزنند، در این مناطق هیچ گونه نظارت پایدار و دقیقی بر روی رفتار افراد از سوی خانواده ها و سازمان ها و دستگاه های اجتماعی شکل نمی گیرد بر همین اساس میزان آسیب ها و فقدان امنیت پایدار بالا می رود. بر اساس تئوری فشار یا آنومی و حتی محرومیت نسبی در جامعه باید اشاره به این مسئله کرد که وقایع پرتنش و اضطراب خانواده یا محله زندگی منجر به شکل گیری احساسات منفی و بزهکاری و یا آسیب های اجتماعی خواهد شد. همچنین فقدان تعلقات اجتماعی در کاهش سرمایه اجتماعی هم در جامعه و هم در درون خانواده، باعث می شود که افراد هنگام روبه رو شدن با منافع فشار نتوانند بر آن ها غلبه نمایند، در نتیجه احساسات منفی در افراد ایجاد می شود که منجر به آسیب ها اجتماعی و بی امنیتی خواهد شد.

فقدان هنجارهای رفتاری و عملی در بین اعضای جامعه، خصوصاً در میان شهرنشینان بر کاهش سرمایه اجتماعی و شکل‌گیری رفتارهای بی‌امنیتی اثر گذار است. هنگامی که اعضای جامعه در جهت رسیدن به اهداف اجتماعی زندگی (از جمله با خلاء قانون و وسیله) نتوانند برسند دست به انحراف به صورت جرائم یقه تیره و یقه سفید خواهند زد که این جرائم و آسیب‌ها کمک‌شایانی به کاهش سرمایه اجتماعی و بی‌امنیتی خواهد نمود. هنگامی که در جامعه اهداف و ارزش‌های جدید و جذاب با گسترش مدرنیته شکل‌گیرد و افراد جامعه در پی این فرایند باشند که خود را با دیگران مقایسه کنند و احساس محرومیت نسبی خود را شدیداً تقویت کنند و بر آن باشند که اهداف و ارزش‌های جدید را از جانب اکثریت افراد جامعه بپذیرند نتیجه‌اش وجود آنومی خواهد شد، که این آنومی در کاهش اعتماد و اطمینان رفتاری و عملی اثر گذار است، در نتیجه سرمایه اجتماعی کاهش می‌یابد. از دیدگاه فوکویاما این مساله باعث فروپاشی بزرگی خواهد شد، که در دو دهه اخیر در جامعه ما با زوال خانواده هسته‌ای روبرو هستیم. بر این اساس ارائه راهبردها و راهکارهای اجرایی متناسب با اهداف نیروی انتظامی می‌تواند کمک موثری به ارتقاء امنیت اجتماعی پایدار و تقویت سرمایه‌های اجتماعی جامعه نماید، در نتیجه آسیب‌های اجتماعی که گریبانگیر خانواده‌ها می‌باشد، کم خواهد شد.

راهکارها

- تقویت و استحکام بخشیدن به روابط اجتماعی مثبت بین افراد جامعه و پلیس در تمام حوزه‌های ساختار اجتماعی
- تأکید بر تقویت اطمینان و اعتماد در میان اعضای جامعه با یکدیگر و با نیروی انتظامی و بالعکس
- کنترل و نظارت اجتماعی دائم و مستمر بر روی رفتارها و اعمال شهروندان از طریق راهکارهای مثبت نه از طریق خشونت و اعمال رفتارهای منفی از سوی پلیس.
- نهادینه کردن رفتارها و اعمال مثبت اجتماعی در بین مناطق و محلات فقیرنشین و حاشیه‌نشین و جرم‌خیز جامعه و اهتمام ویژه به نظارت اجتماعی مثبت در این مناطق و حتی سایر مناطق شهری و روستایی.
- تلاش برای حل بیماری‌های رفتاری و اعمال منفی درون سازمانی در دستگاه نیروی انتظامی و رفع سیاست‌زدگی در درون ساختار اجتماعی پلیس که منجر به افزایش سرمایه اجتماعی افول آسیب‌های اجتماعی می‌گردد.
- استمرار فعالیت‌های پلیس محور در جهت اجرای ضمانت‌های اجرایی و هنجارهای قانونی با شهروندان از جمله در تعامل با نهاد اجتماعی خانواده
- نهادینه کردن و آموزش پلیس در حوزه رفتارهای متقابل تعاون بخش، همدلی، همیاری، صداقت، تعهد، اعتماد و اطمینان و... در میان سطح خانواده و جامعه.
- جامعه‌پذیری "اعتماد و مشارکت و انسجام" مدنی و اجتماعی در میان شهروندان و خانواده با تأکید بر عملکردها و فعالیت‌های پلیس محوری نیروی انتظامی
- تقویت روابط تعامل برانگیز پلیس با فعالیت‌ها و دستاوردهای اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی - روانبخشی - تربیتی سازمان‌های غیر دولتی (NGO) در ساختارهای جامعه.
- اهمیت دادن به امر آموزش و آگاهی عمیق به شهروندان و خانواده‌ها نسبت به پیامدهای جرائم و آسیب‌های اجتماعی
- ریشه‌کن کردن پیامدهای عملی و رفتاری دروغ در بین شهروندان از سوی پلیس
- انحلال مناطق و محلات جرم‌خیز در ساختار زندگی شهری و روستایی جامعه. از سوی فعالیت‌های پلیس محوری در جامعه
- تدوین برنامه ریزی و استراتژی‌های "کوتاه- میان- بلند" مدت در جهت حفظ و نهادینه کردن سلامت اجتماعی شهروندان جامعه‌پذیری سرمایه‌های اجتماعی قومیتی و مذهبی در میان شهروندان از سوی نیروی انتظامی.
- آموزش فرهنگ‌پذیری صحیح و سالم در جهت پیامدهای منفی قومیت‌مداری و تقویت حفظ هویت‌های قومی - مذهبی از سوی نیروی انتظامی.

منابع

- ✓ الوانی، سید مهدی و شیروانی، علیرضا؛ (۱۳۸۵). **سرمایه اجتماعی (مفاهیم، نظریه‌ها و کاربردها)** انتشارات مانی، چاپ اول، اصفهان.
- ✓ چلبی، مسعود، (۱۳۸۶). **جامعه‌شناسی نظم**، (تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی)، نشر نی، چاپ چهارم، تهران.

- ✓ چلبی، مسعود و مبارکی، محمد، (۱۳۸۴). تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان، **مجله جامعه شناسی** ایران، دوره ششم، شماره ۲، ص ۵، قابل دسترس در سایت www.sid.ir.
- ✓ رابیگتن، ارل و واینبرگ، مارتین (۱۳۸۳). **رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی**، ترجمه: رحمت الله صدیق سروستانی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، تهران.
- ✓ رفیع پور، فرامرزی، (۱۳۷۸). **آنومی یا آشفتگی اجتماعی** (پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران). انتشارات سروش، چاپ اول، تهران.
- ✓ روزبهنی، توران، (۱۳۷۸). **نقش خانواده به عنوان عامل و مانع بزهکاری نوجوانان** (با تکیه بر نظم در خانواده). پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش اجتماعی، استاد راهنما: مسعود چلبی، تهران: دانشگاه الزهرا.
- ✓ شارع پور، محمود، (۱۳۸۳). **ابعاد و کارکردهای سرمایه اجتماعی و پیامدهای حاصل از فرسایش آن**، در کتاب بررسی مسائل اجتماعی ایران، گروه مولفان، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ دوم، تهران.
- ✓ صدیق سروستانی، رحمت الله، (۱۳۸۵). **آسیب شناسی اجتماعی** (جامعه شناسی انحرافات اجتماعی)، انتشارات آن، چاپ اول، تهران.
- ✓ فرجاد، محمد حسین، (۱۳۸۲). **بررسی مسائل اجتماعی در ایران** (فساد اداری، اعتیاد و طلاق). انتشارات اساطیر، چاپ دوم، تهران.
- ✓ فوکویاما، فرانسیس، (۱۳۸۵). **پایان نظم سرمایه اجتماعی و حفظ آن**، ترجمه: غلامعباس توسلی، انتشارات حکایت قلم نوین، چاپ دوم، تهران.
- ✓ فیلد، جان، (۱۳۸۵). **سرمایه اجتماعی**، ترجمه جلال متقی، موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، چاپ اول، تهران.

نویسنده مسئول: هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، عضو پیوسته انجمن جامعه شناسی و انسان شناسی ایران

Email: sharbatian@pnu.ac.ir ✓